



بررسی میزان تطبیق ترجمه های معاصر با قرائت حفص از عاصم
صغری لکذایی | زهرا قاسم نژاد

چکیده

ترجمه همواره در محیطی چندوجهی صورت می‌گیرد که زبان را با فرازبان پیوند می‌دهد. مترجم قرآن کریم علاوه بر اینکه باید با دو زبان مقصد و مبدأ آشنایی کامل داشته باشد و رموز و دقایق کلامی هر دو زبان را بداند، باید به علومی دیگر، چون علم قرائات نیز آشنایی داشته باشد. اختلاف قرائات می‌تواند در ترجمه تأثیر داشته باشد؛ لذا مترجم ماهر باید اختلاف قرائات را شناسایی کند و ترجمه خود را مطابق با قرائتی که انتخاب نموده است، ارائه دهد.

در ترجمه‌های فارسی‌ای که از قرآن کریم در دست است گاه مشاهده می‌شود ترجمه برخلاف قرائتی است که مترجم انتخاب نموده است. این پژوهش به بررسی میزان تطبیق ترجمه‌های معاصر با قرائت حفص از عاصم می‌پردازد، زیرا قرائت مشهور و انتخابی مترجمان زبان فارسی این قرائت است.

مقدمه

یکی از موضوعاتی که کمتر در ترجمه قرآن کریم به آن توجه شده، میزان تطبیق ترجمه‌های کنونی با قرائت حفص از عاصم است. یکی از علوم مورد نیاز هر مترجم، بحث قرائات قرآن کریم است. مبحث قرائات قرآن گسترده است ولی آنچه که یک مترجم قرآن

□ ۴۹ بررسی میزان تطبیق ترجمه‌های معاصر... □

لازم است بدانند، تا بتوانند بر مبنای آن ترجمه صحیحی ارائه دهد، در چند پرسش و پاسخ خلاصه می‌شود:

(۱) آیا قرائت‌های قرآن غیر از قرآن است یا همان قرآن است؟

(۲) آیا قرائت‌های قرآن معتبر است؟

(۳) ترجمه قرآن براساس کدام یک از قرائت‌های هفت‌گانه، ده‌گانه، چهارده‌گانه انجام می‌شود؟

این پژوهش به پرسش سوم می‌پردازد که در پاسخ به آن باید گفت: مبنای ترجمه قرآن، همان قرائت متواتر مسلمانان است؛ همان‌طور که در تفسیر این گونه است و قرائت‌های دیگر معتبر نیست و نمی‌تواند مبنا باشد، مگر قرائت حفص از عاصم که به دلیل تطابق آن با قرائت متواتر مسلمانان مبنا قرار گرفته است. در این مقاله هدف ما بررسی میزان تطبیق ترجمه‌های معاصر با قرائت حفص از عاصم است.

با رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سپری شدن عصر صحابه، علم قرائت شکل تخصصی به خود گرفت. قرآن کریم در این دوره متحمل قرائت‌های گوناگون شد و نحله‌های متعددی در این زمینه به وجود آمد. از آن زمان تا کنون، علم قرائت تکامل شایانی یافته و با طرح مباحث گوناگون و دقیق، روز به روز بر اهمیت آن افزوده شده است.

پس از دوره صحابه و عصر تابعین، گروهی خاص در فن قرائت و کارآیی در آن، شهرت یافتند و به عنوان صاحبان تخصص و مهارت در امر قرائت شناخته شدند. از این میان، هفت نفر سرآمد آنان شدند و به قراء سبعة شهرت یافتند. نخستین کسی که قرائت قراء سبعة را جمع‌آوری و تدوین کرد، ابوبکر احمد بن موسی بن عباس بن مجاهد (۳۲۴-۲۴۵ ق) معروف به «ابن مجاهد» بود (ابن ندیم، بی تا، ۴۷).

این هفت نفر عبارتند از:

۱. ابو عمرو بن علاء، از بصره.

۲ و ۳. حمزة بن حبيب زيات و عاصم بن ابي النجد، از کوفه و حوالی آن.

۴. کسایی، از مردم عراق.

۵. ابن کثیر، از اهل مکه.

۶. ابن عامر، از اهل شام.

۷. نافع، از اهل مدینه. (فضلی، ۱۳۶۵ هـ.ش، ۴۸)

از میان این افراد، عاصم بر دیگران ترجیح دارد. ابوبکر عاصم بن ابی النجود بن بهدله مولی بنی خزیمه ابن مالک بن نصر بن قعین (م ۱۲۷ یا ۱۲۸ هـ.ق) از قراء طبقه سوم و از مردم کوفه است (زنجان، ۱۳۸۸ هـ.ش، ۸۴). شیعه و اهل سنت به صلاحیت‌های دینی و علمی وی اعتراف دارند و سند قرائت او را ممتاز دانسته‌اند؛ زیرا این قرائت تنها با یک واسطه به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و از طریق ایشان به خود پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسد. هم‌چنین درباره استاد وی یعنی ابو عبدالرحمن نوشته‌اند که قرآن را بر عثمان و علی علیه‌السلام و ابی بن کعب و عبد الله بن مسعود و زید بن ثابت قرائت کرده است (حموده، ۱۹۳۰م، ۲۱۷ / زنجان، ۱۳۸۸ هـ.ش، ۸۴). بنابراین قرائتی که اکثر مسلمانان امروز به آن عمل می‌کنند و به عنوان قرائت متواتر است، قرائت حفص است. در این پژوهش، میزان تطبیق ترجمه‌های معاصر با قرائت حفص از عاصم بررسی می‌گردد.

قرائت عاصم

از میان قراء سبعة، قرائت عاصم بر سایر قرائت‌ها ترجیح دارد. این رجحان مربوط به دو مسئله است که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

الف: شخصیت علمی و دینی عاصم

عاصم از دیدگاه دانشمندان شیعه و نیز علمای اهل سنت، شخصیتی بارز و با تقوا و مورد اعتماد در قرائت بوده است. آنان وی را جامع فصاحت و قرائت صحیح و تجوید معرفی کرده و صاحب صوت خوش و دلنواز دانسته‌اند.

قاضی نورالله شوشتری و نیز سید حسن صدر، به تشییع عاصم تصریح کرده‌اند. به همین جهت قاطبه دانشمندان شیعه، قرائت عاصم را فصیح‌ترین قرائت دانسته‌اند. چنان‌که ابن جزری نیز در رده‌بندی قرائت‌ها، قرائت عاصم را افصح القراءات نامیده است (جزری، ۱۳۵۱ هـ.ش، ۷۵). ابن خلکان می‌گوید: عاصم در قرائت مورد توجه همگان و انگشت‌نما بود (ابن خلکان، ۱۳۶۴ هـ.ش، ۱/۹).

عبدالله بن احمد بن حنبل می‌گوید: از پدرم درباره عاصم سؤال کردم. در پاسخ گفت: شخصیتی شایسته و فردی ثقه و مورد اعتماد است. سپس پرسیدم: کدام یک از قرائت‌ها نزد

□ ۵۱ بررسی میزان تطبیق ترجمه‌های معاصر... □

تو محبوب‌تر و دلپذیرتر است؟ گفت: قرائت اهل مدینه. گفتم: و بعد. گفت: قرائت عاصم. مردم کوفه قرائت عاصم را پذیرفته‌اند و من نیز آن را اختیار کرده‌ام (عسقلانی، ۱۳۲۵ هـ.ش، ۵/۳۹).

مرحوم خوانساری نیز آورده است که: قرائت عاصم، قرائت متداول بین مسلمانان است و از این رو، قرائت او همه جا با مرکب سیاه نوشته می‌شود و قرائت‌های دیگر را با رنگ‌های دیگر می‌نویسند تا با قرائت عاصم اشتباه نشود (خوانساری، ۱۳۴۱ هـ.ش، ص ۴-۵). با توجه به اینکه هیچ یک از قراء مانند عاصم مورد تأیید نبوده‌اند، اهمیت مقام او در قرائت ثابت می‌گردد. علاوه بر موقعیت علمی و دینی عاصم، یکی از عمده‌ترین دلایل ترجیح قرائت او بر دیگر قرائات، اسناد قرائت اوست.

ب: اسناد قرائت عاصم

ابو محمد مکی بن ابی طالب می‌گوید: صحیح‌ترین قرائت‌ها از نظر سند، قرائت عاصم و نافع است (محلی، ۱۳۷۰ هـ.ش، ۱/۲۲۵).

علم اسناد خصوصاً در زمینه قرائات و حدیث توجه دقیق عالمان مسلمان را به خود جلب کرده است. شهاب‌الدین قسطلانی در کتاب خود لطائف الاشارات لفنون القراءات، اهمیت این علم را چنین بیان کرده است:

علم اسناد، بزرگ‌ترین محور فن قرائت است؛ زیرا قرائت‌ها به پیروی از سنت و صرفاً بر پایه نقل شکل گرفته‌اند. لذا گزیری جز اثبات و صحت آن نیست. صحت و اثبات آن نیز جز از طریق اسناد ممکن نیست. از این روست که شناخت علم قرائت بر پایه درک اسناد بنا شده است (قسطلانی، ۱۳۹۲ هـ.ش، ۸۸).

انواع اسناد از نظر قسطلانی چنین است:

۱. اسناد صحیح که بر نقل عدل ضابط، ثقه و متقن از مانند خود تا پایان سند متکی است، بدون هیچ شذوذ و علت مضر. این اسناد متصل است و در آن هیچ واسطه‌ای از سلسله راویان مفقود نیست و به گونه‌ای است که هر یک از آنان قرائت را از شیخ و استاد خویش فرا گرفته است.

۲. اسناد حسن که مخرج آن به شامی، عراقی، مکی یا کوفی بودن معروف است و رجال آن

□ ۵۲ ترجمان وحی

در عدالت و ضبط شهرت دارند؛ البته عدالت و ضبطی که حد وسط صحیح و ضعیف و نیز شاذ و معلل نباشد. یعنی علت و نقصی در آن پیدا نشود که به رغم دوری ظاهر آن از نقص، صحت آن را خدشه دار کند.

۳. اسناد ضعیف که فاقد یکی از شروط پنج‌گانه اسناد صحیح است.

بدین ترتیب پنج شرط برای اسناد صحیح در تعریف لحاظ شده است:

۱. اتصال سند ۲. نقل عدل ضابط ثقه ۳. از عدل ضابط ثقه ۴. وجود شروط ۲ و ۳ تا انتهای

سند ۵. نبود شذوذ و علت.

سند قرائت عاصم، سندی عالی است و تنها با یک واسطه به علی بن ابی طالب علیه السلام و از ایشان به رسول خدا صلی الله علیه و آله منتهی می‌شود. البته سند قرائت ابن عامر نیز از قلت و سایط بهره‌مند است و تنها به واسطه عثمان بن عفان به رسول خدا صلی الله علیه و آله منسوب شده است؛ اما با رجوع به شرح حال ابن عامر و گفته‌های ابن حجر و ابن الجزری درباره او، از اعتبار آن کاسته می‌شود.

در توصیف مقام علمی و دینی عاصم ذکر این نکته نیز ضروری است که ابان بن تغلب قرآن را بر او خوانده و وی اولین کسی است که در علم قرائت کتاب نگاشته است (طوسی، بی تا، ۱۷).

گروه بی‌شماری با واسطه یا بی‌واسطه، قرائت عاصم را روایت کرده‌اند، ولی در این میان حفص بن سلیمان و ابوبکر بن عیاش از شهرت فزون‌تری برخوردارند که گویند این دو، قرائت عاصم را بلاواسطه از خود وی روایت نموده‌اند (محلی، ۱۳۷۰ هـ.ش، ۱/۱۲۶ و خویی، ۱۳۸۵ هـ.ش، ۹۶ و صدر، ۱۹۵۱ م، ۳۴۷).

اما روایت حفص بر روایت ابوبکر بن عیاش برتری دارد، چنان که در غایة النهایة آمده است: روایت حفص از عاصم، همان قرائت عامه است که قرائت همه صحابه بوده و همواره در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از رحلت ایشان تاکنون به عنوان متن قرآن شناخته شده و قرائات مختلف را با آن سنجیده‌اند (جزری، ۱۳۵۴، ۲۵۴).

قرائت حفص یک قرائت شیعی ناب و خالص است که به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌رسد.

آنچه بیان شد، مختصری از علم قرائت بود که به سهم خود در ترجمه قرآن کریم مؤثر

است و آگاهی به آن برای مترجم ضروری است.

تأثیر اختلاف قرائت بر ترجمه قرآن کریم

همان‌گونه که می‌دانیم، اختلاف قرائت یکی از علوم مورد نیاز هر مترجم و مفسر برای ترجمه و تفسیر قرآن کریم است. هنگامی که یک مترجم قرائتی را می‌پذیرد، باید ترجمه او نیز مطابق با همان قرائت باشد؛ زیرا در تعدادی از آیات قرآن، اختلاف قرائت معنا را تغییر می‌دهد. برای بیان این موضوع، ذیلاً تعدادی از آیات که دارای اختلاف قرائت‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرند تا تأثیر اختلاف قرائت بر ترجمه آنها روشن شود.

بررسی میزان تطبیق تعدادی از ترجمه‌های معاصر با قرائت حفص

اولین آیه‌ای که در اینجا به بررسی آن می‌پردازیم، آیه شریفه ۴ از سوره مبارکه حمد است:

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

وقتی به ترجمه کلمه «مالک» در سوره مبارکه فاتحه نظر می‌افکنیم، می‌بینیم اختلاف قرائت، در ترجمه این کلمه تأثیر گذاشته است. به نمونه‌ای از ترجمه‌های معاصر اشاره می‌کنیم:

- ترجمه الهی قمشه‌ای: پادشاه روز جزاست.

- ترجمه آیتی: آن فرمانروای روز جزا.

- ترجمه بهرام‌پور: صاحب روز جزا.

- ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی: خداوند روز جزا.

- ترجمه سید رضا سراج: صاحب اختیار روز پاداش و کیفر.

- ترجمه محمد مهدی فولادوند: خداوند روز جزاست.

- ترجمه فیض‌الاسلام: مالک و دارای روز جزا.

- ترجمه مکارم شیرازی: مالک روز جزاست.

- ترجمه سید محمد رضا صفوی بر اساس المیزان: خداوندگار روز پاداش و جزاست.

درباره نحوه قرائت «مالک» اختلاف قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. مشهور آن را به صورت مالک بر وزن فاعل قرائت کرده‌اند، اما قرائت غیر مشهور آن به صورت «مَلِک» بر وزن کتف است. مفسران بزرگی همچون علامه طباطبایی قرائت دوم را ترجیح داده‌اند. ایشان برای

مدعای خود دو دلیل آورده‌اند:

۱. مالک در بردارنده مفهوم ملکیت است و ملکیت چه به صورت اعتباری و چه به صورت حقیقی به زمان اضافه نمی‌شود؛ یعنی گفته نمی‌شود: «مالک العصر الفلانی» اما «ملک العصر الفلانی» گفته می‌شود.

۲. در قرآن برای روز قیامت از کلمه مُلْک استفاده شده است: لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (علامه طباطبایی، ۱۴۱۱ق، ۱/۲۲).

آنچه که مستند بسیاری از مفسران در ترجیح قرائت «مالک» قرار گرفته، این است که می‌گویند معیار ما در پذیرش قرائت، قرائت مشهور و متواتر است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است و به طور مشخص تنها قرائت حفص از عاصم دارای چنین ویژگی است که آن هم به صورت مالک قرائت شده است (الموسوی الخویی، ۱۳۸۵هـ ش، ۴۴۹-۴۵۱).

در آیه شریفه مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، واژه مالک به صورتهای مختلف مَالِكٌ و مَلِكٌ قرائت شده است. از این رو برخی مترجمان، آن را خداوند و صاحب اختیار ترجمه کرده‌اند، که معنای مالک است. اما الهی قمشه‌ای آن را این گونه ترجمه کرده است: «پادشاه روز جزاست» که می‌تواند به قرائت «مَلِكٌ» اشاره داشته باشد. آنچه در اینجا مد نظر است، ذکر این نکته است که اختلاف قرائت که جزء مهم‌ترین مباحث علوم قرآنی است، در ترجمه قرآن تأثیر گذاشته و مترجمان خواسته یا ناخواسته، گاه در ترجمه خود قرائت غیرمشهور را معیار قرار داده‌اند. آیه شریفه ۹۵ سوره نساء نیز از آیاتی است که عدم توجه به قرائت واژه در آن، ترجمه را دچار اشکال کرده است:

«لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ»
- ترجمه الهی قمشه‌ای: هرگز مؤمنانی که بی‌هیچ عذری مانند نابینایی، مرض، فقر و ... از کار جهاد باز نشینند با آنان که به مال و جان کوشش کنند (در مراتب ایمان) یکسان نخواهند بود.

- ترجمه آیتی: مؤمنانی که بی‌هیچ رنج و آسیبی از جنگ سر می‌تابند، با کسانی که به مال و جان خویش در راه خدا جهاد می‌کنند برابر نیستند.

- ترجمه بهرام‌پور: [مؤمنان] وانشسته [از جهاد] که آسیب‌دیده و معلول نیستند، با

□ ۵۵ بررسی میزان تطبیق ترجمه‌های معاصر... □

مجاهدانی که با جان و مال خود در راه خدا جهاد می‌کنند برابر نیستند.

- ترجمه فولادوند: مؤمنان خانه‌نشین که زیان دیده نیستند، با آن مجاهدانی که با مال و جان خود در راه خدا جهاد می‌کنند یکسان نمی‌باشند.

- ترجمه مجتبیوی: وانشستگان از مؤمنان، بجز کسانی که گزند دارند - بیمار یا معلولند - با جهادکنندگان در راه خدا به مالها و جانهای خویش، برابر نیستند.

- ترجمه مشکینی: بازنشستگان مؤمنان از جهاد (مستحب یا واجب کفایی) که ضرر جسمی و عذر دیگری ندارند، هرگز با جهادگران در راه خدا به مالها و جانهایشان یکسان نیستند.

- ترجمه مکارم: (هرگز) افراد باایمانی که بدون بیماری و ناراحتی، از جهاد بازنشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند!

- ترجمه صفوی بر اساس المیزان: مؤمنان وانشسته از جهاد که آسیب‌مند نیستند، با آنان که با مال و جان خود در راه خدا پیکار می‌کنند یکسان نیستند.

قرائت اهل مدینه و شام و کسایی و خلف «غیرِ اُولی الضَّرر» به نصب (راء) است، ولی بقیه به رفع «غیر» خوانده‌اند. پس رفع براساس این است که «غیر» صفت برای قاعدون باشد، که در این صورت معنا این گونه است: «لا یستوی القاعدون الأصحاء و المجاهدون». ولی کسی که «غیر» به نصب خوانده، بر اساس استثنا از قاعدون است. پس تقدیر کلام این است: «لا یستوی القاعدون إلّا اُولی الضَّرر». و جایز است که «غیر» منصوب به حال باشد، پس معنا این گونه است: «لا یستوی القاعدون فی حال صِحَّتْهم و المجاهدون» (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ۳/۱۶۵).

در ترجمه‌های بالا بجز ترجمه مجتبیوی، بقیه مترجمان به قرائت عاصم نظر داشته و مطابق با قرائت عاصم آن را ترجمه کرده‌اند؛ زیرا قرائت عاصم به ضمه غیر است که صفت برای قاعدون است. اما مجتبیوی آیه را مطابق قرائت قاریانی ترجمه کرده که غیر را به فتح خوانده‌اند؛ و آن را استثنا از قاعدون گرفته است.

آیه دیگری که اختلاف قرائت بر معنا و ترجمه آن اثر گذاشته، آیه شریفه ۲۲۲ سوره مبارکه بقره است که خداوند می‌فرماید:

«وَ یَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِیضِ قُلْ هُوَ أَدْنَىٰ فَعْتَزُوا النَّسَاءِ فِی الْمَحِیضِ وَ لَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ یَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَیْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ یَحِبُّ التَّوَّابِیْنَ وَ یَحِبُّ الْمُتَطَهِّرِیْنَ».

- ترجمه الهی قمشه‌ای: و سؤال کنند تو را از عادت شدن زنان، بگو: آن رنجی است برای زنان، در آن حال از مباشرت آنان دوری کنید تا آنکه پاک شوند. چون طهارت یافتند از آنجا که خدا دستور داده به آنها نزدیک شوید.
- ترجمه آیتی: تو را از حیض زنان می‌پرسند. بگو: حیض رنجی است. پس در ایام حیض از زنان دوری گزینید و به آنها نزدیک مشوید تا پاک گردند. و چون پاک شدند از آنجا که خدا فرمان داده است با ایشان نزدیکی کنید.
- ترجمه بهرام‌پور: و از تو درباره حیض می‌پرسند، بگو: آن رنج و ناراحتی است، پس در ایام حیض از زنان کناره بگیرید و با آنها نزدیکی نکنید تا پاک شوند، و چون پاک شدند، از آنجا که خدا فرماتان داده به آنها نزدیک شوید.
- ترجمه فولادوند: از تو درباره عادت ماهانه [زنان] می‌پرسند، بگو: آن، رنجی است. پس هنگام عادت ماهانه، از [آمیزش با] زنان کناره‌گیری کنید، و به آنها نزدیک نشوید تا پاک شوند. پس چون پاک شدند، از همان جا که خدا به شما فرمان داده است، با آنها آمیزش کنید.
- ترجمه مجتبی‌وی: تو را از حیض می‌پرسند، بگو: آن رنج و آزاری است. پس در حال حیض از [آمیزش با] زنان کناره‌گیری کنید و به آنان نزدیک مشوید تا پاک شوند. پس چون خود را پاک کنند - غسل کنند -، آنسان که خدا فرماتان داده است به آنان درآیید.
- ترجمه مشکینی: و از تو درباره عادت زنانه می‌پرسند، بگو: آن نوعی آزار و ناراحتی است. پس از [آمیزش با] زنان در زمان عادت کناره‌گیری نمایید و تا پاک نشوند به آنها نزدیک نشوید و چون (از عادت) پاک شدند (یا غسل کردند) از همان جا که خدا دستور داده با آنان آمیزش نمایید.
- ترجمه مکارم: از تو، درباره خون حیض سؤال می‌کنند، بگو: چیز زیانبار و آلوده‌ای است؛ از این رو در حالت قاعدگی، از آنان کناره‌گیری کنید، و با آنها نزدیکی ننمایید، تا پاک شوند. و هنگامی که پاک شدند، از طریقی که خدا به شما فرمان داده، با آنها آمیزش کنید.
- ترجمه صفوی بر اساس المیزان: از تو درباره عادت ماهانه زنان می‌پرسند. بگو: این برای آنان رنجی است. پس در روزهای عادتشان از آنان کناره‌گیری کنید، و با آنها نزدیکی نکنید تا پاک شوند. پس هنگامی که غسل کردند، از همانجا که خدا به شما فرمان داده است با آنان آمیزش کنید، که خداوند کسانی را که بسیار توبه کنند و در پاکی و پاکیزگی کوشا باشند

دوست می‌دارد.



قرآن، جواز آمیزش با زنان حیاض را به حصول طهارت منوط کرده، می‌گوید: «وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ...». با توجه به اختلاف قرائت (يَطْهُرْنَ)، مفسران، طهارت را به قطع خون، شستن اندام تناسلی، وضو گرفتن، شستن اندام تناسلی همراه با وضو و غسل یا تیمم تفسیر کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ۲/۲؛ قرطبی، ۱۳۷۲هـ.ش، ۳/۵۹). برخی مفسران، مقصود از طهارت را غسل (رازی، ۱۴۲۱ق، ۶/۶) و برخی دیگر، تحصیل وضو پس از قطع خون دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۹ق، ۲/۲۲۱ و طبرسی،

۱۴۱۵ق، ۲/۵۶۳). از اهل بیت (علیهم السلام) در این باره سه دسته روایت نقل شده که دسته‌ای از آنها از آمیزش پیش از غسل نهی کرده و دسته دیگر، امر به آمیزش پس از غسل کرده و دسته‌ای نیز به جواز آمیزش پس از قطع خون حکم کرده‌اند، که دسته اول بر کراهت آمیزش پیش از غسل، و دسته دوم بر استحباب آمیزش پس از غسل حمل شده است (حرّعاملی، بی تا، ۳۲۴-۳۲۶).

فعل «یطهرن» را بعضی با تشدید و بعضی بدون تشدید قرائت کرده‌اند، که معنای آن در دو صورت فرق می‌کند؛ اگر بدون تشدید باشد، به معنای پاکی و تمام شدن خون است نه غسل کردن، ولی اگر با تشدید خوانده شود معنای آن غسل کردن است (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ۲/۵۶۴).

در این آیه شریفه مفسران به قرائت حفص توجه داشته و فعل را مطابق با قرائت حفص ترجمه کرده‌اند. ترجمه مشکینی جانب احتیاط را رعایت کرده و هر دو معنا را آورده است. یکی دیگر از آیاتی که اختلاف قرائت آن مشهور است، آیه ششم سوره مبارکه مائده است که خداوند می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»

- ترجمه الهی قمشه‌ای: ای اهل ایمان، چون خواهید برای نماز برخیزید، صورت و دستها

- را تا مرفق (آرنج) بشوید و سر و پاها را تا برآمدگی پا مسح کنید.
- ترجمه آیتی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به نماز برخاستید، صورت و دستهایتان را با آرنج بشوید و سر و پاهایتان را تا قوزک مسح کنید.
- ترجمه بهرام‌پور: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون به نماز برخاستید، صورت و دستهای خود را تا آرنج بشوید؛ و سر و پاهای خود را تا برآمدگی روی پا مسح کنید.
- ترجمه محدث دهلوی: بشوید پاهای خود را تا شتالنگ.
- ترجمه دهلوی: «ارجلکم» را عطف بر جمله «و ایدیکم الی المرافق» گرفته است تا با مذهب خود موافق باشد.
- ترجمه فولادوند: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به [عزم] نماز برخیزید، صورت و دستهایتان را تا آرنج بشوید؛ و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین [هر دو پا] مسح کنید.
- ترجمه مجتبی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به نماز برخیزید - آهنگ نماز کنید - روی‌ها و دستهایتان را تا آرنج‌ها بشوید و سرها و پاهایتان را تا برآمدگی‌های روی پا مسح کنید.
- ترجمه مشکینی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون برای نماز برخیزید (و وضو نداشتید) پس صورت‌ها و دستهایتان را تا آرنج بشوید، و بر سرتان و روی پاهایتان تا برآمدگی روی هر دو پا مسح کنید.
- ترجمه مکارم: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دستها را تا آرنج بشوید، و سر و پاها را تا مفصل [برآمدگی پشت پا] مسح کنید.
- ترجمه صفوی بر اساس المیزان: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خواستید به نماز ایستید، صورت و دست‌هایتان تا آرنج‌ها را بشوید و بخشی از سر و نیز پاهای خود تا دو برآمدگی آنها را مسح کنید.
- در اینجا قبل از بحث اختلاف قرائات، اشاره به یک قاعده ادبی ضروری می‌نماید و آن تفاوت معنوی عطف بر لفظ و عطف بر محل است. در ادبیات عرب برای عطف انواعی را یاد کرده‌اند؛ از جمله عطف بر لفظ و عطف بر محل. مثلاً وقتی گفته می‌شود: «لیس زید بقائم ولا قاعد». واژه قاعد به صورت مجرور عطف بر لفظ قائم است و آنگاه که گفته می‌شود: «لیس

بررسی میزان تطبیق ترجمه‌های معاصر... ۵۹ □

زیدٌ بقائم و لا قاعداً» واژه قاعداً به صورت منصوب عطف بر محل «قائم» است؛ زیرا «قائم» خبر «لیس» است و محلاً منصوب است. تفاوت معنوی این دو در آن است که در صورت اول متکلم معنایی را که برای باء لحاظ کرده است در معطوف نیز آن را ملاحظه می‌کند، بر خلاف صورت دوم یعنی عطف بر محل که آن معنا را در معطوف در نظر نمی‌گیرد.

با توجه به این نکته، دو بخش یاد شده از آیه وضو را ملاحظه می‌کنیم. در این دو بخش، مسح سر و مسح پاها در وضو، و مسح صورت و مسح دستها در تیمم، مطرح شده است، ولی با تفاوت در تعبیر، در حالی که این تفاوت در ترجمه‌ها منعکس نشده است.

توضیح اینکه: در مسح سر، حرف باء بر سر ممسوح در آمده و خداوند فرموده است: «وامسحوا براء و سیکم» و با منصوب آوردن «ارجلکم» و عطف آن بر محل «براء و سیکم» مفاد حرف باء را در «ارجل» لحاظ نکرده است. بر خلاف مسح صورت و دستها در تیمم که فرموده است: «وامسحوا بوجوهکم و ایدیکم» که با مجرور آوردن «ایدیکم» و عطف آن بر لفظ «وجوهکم» معنای حرف باء در «ایدیکم» لحاظ می‌شود و آن معنا بر حسب تفاسیر شیعه که متخذ از روایات است بدین صورت است: «و بخشی از سرهایتان و نیز پاهایتان را مسح نمایید... و اگر آب نیافتید آهنگ خاکی پاک کنید و از آن بخشی از صورتتان و بخشی از دست‌هایتان را مسح کنید».

اگر دقت شود، در هیچ یک از ترجمه‌های فوق به رغم تفاوتی که در آیه میان این دو تعبیر وجود دارد، اثری از تفاوت نیست. تنها در ترجمه موسوی گرمارودی این معنا لحاظ شده است. ایشان این گونه ترجمه کرده‌اند: «و بخشی از سرتان را مسح کنید و نیز پاهایتان را تا برآمدگی روی پا... به خاکی پاک تیمم کنید؛ با آن بخشی از چهره و دستهای خود را مسح نمایید».

به هر حال، اختلاف در این است که آیا «ارجلکم» عطف بر «برؤ و سیکم» است که در این صورت پاها باید مسح شود، یا «ارجلکم» عطف به «ایدیکم» می‌شود که در این حال باید پاها را شست!

قراء «ارجلکم» را به کسر و فتح خوانده‌اند (أَرْجُلُكُمْ و أَرْجُلُكُمْ). ابن کثیر و حمزه و ابو عمرو به روایت از ابی بکر، «أَرْجُل» را به کسر (ل) خوانده‌اند؛ یعنی: «أَرْجُلُكُمْ». اما نافع و ابن عامر و عاصم به روایت از حفص، «أَرْجُل» را به فتح و نصب خوانده‌اند؛ یعنی: «أَرْجُلُكُمْ».

اکنون برای تبیین بیشتر، به نظریهٔ فخر رازی و بیان زیبای ادبی او در این باره توجه نمایید. او در این باره می‌نویسد:

«اما در قرائت جرّ، «ارجل» عطف به «رأس» می‌شود و همان‌گونه که مسح سر واجب است، مسح پاها نیز واجب می‌شود. اما در قرائت نصب، باید گفت که در این صورت نیز مسح (پاها) واجب است، و این بدان سبب است که «رؤوسکم» در محل نصب است، هرچند به وسیلهٔ (باء) مجرور شده است و اگر «ارجل» عطف بر «رؤوس» شود، جایز است که منصوب باشد بنا بر عطف به محل «رؤوس»، و کسر «ارجل» می‌تواند عطف بر ظاهر کلمهٔ «رؤوس» باشد. این امر قاعده‌ای مشهور در میان نحویان است.»

فخر ادامه داده و می‌گوید: نظریهٔ دیگری نیز در اینجا هست و آن این است که «ارجل» عطف بر «ایدیکم» باشد که در این صورت شستن پاها لازم می‌شود؛ اما اگر دو عامل بر معمولی واحد درآیند، حمل بر عامل نزدیک‌تر اولی و سزاوارتر است؛ لذا لازم است که عامل نصب در قول خداوند: «و ارجلکم» همان «و امسحوا» باشد. پس ثابت شد که قرائت «و ارجلکم» به نصب (لام) نیز مسح پاها را ایجاب می‌نماید! (رازی، ۱۴۲۱ ق، ۱۶۱).

از قراء سبعة ابن کثیر، حمزه، ابو عمرو و نیز عاصم به روایت شاگردش ابوبکر، حرف لام در «ارجلکم» را با حرکت جرّ قرائت کرده‌اند (قرطبی، ۱۳۷۲ هـ/۹۱ ق). و چون از نظر علمای عامه همهٔ قرائت‌های هفت‌گانه صحیح است، برای آنکه اختلافی در مفهوم پیش نیاید، باید گفت که نظریهٔ فخر در این باره صحیح است و «ارجل» چه منصوب خوانده شود و چه مجرور، در هر دو، حکم به مسح می‌شود.

ابن حزم، فقیه نامدار شافعی در کتاب المحلّی می‌نویسد: «و اما رأی ما در پاها، در قرآن به مسح آمده است. خداوند فرموده است: «و امسحوا برؤوسکم و ارجلکم» و حکم در آن یکی است، چه مکسور خوانده شود و چه منصوب. در هر حال «ارجلکم» عطف بر «رؤوس» شده است و جایز نیست که بین معطوف و معطوف‌علیه به واسطهٔ قضیهٔ ابتدائیه فاصله افتد. و از ابن عباس نقل شده است که قرآن به مسح بر پاها نازل شده است. و قول مسح بر پاها عقیدهٔ بسیاری از گذشتگان است که از جمله آنان علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ابن عباس، حسن، عکرمه، شعبی و بسیاری دیگر است. مسح بر پاها قول طبری نیز هست» (محلّی، بی‌تا، ۲/۵۶).

□ ۶۱ بررسی میزان تطبیق ترجمه‌های معاصر... □

بنابراین، هرچند قرائت کسر یا فتح حکم آیه را تغییر نمی‌دهد، اما نادیده گرفتن قاعده ادبی که در بالا ذکر شد، از دقت ترجمه می‌کاهد.

از دیگر آیاتی که برخی مترجمان به اختلاف قرائت آن توجه نکرده‌اند، آیه ۷۱ سوره یونس است؛ خداوند می‌فرماید:

«... فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ...»

- ترجمه الهی قمشه‌ای: من تنها به خدا توکل می‌کنم (و از شرّ شما به او پناه می‌برم) شما هم به اتفاق بتان و خدایان باطل خود هر مکر و تدبیری (بر آزار من) دارید انجام دهید.

- ترجمه آیتی: من بر خدا توکل می‌کنم، ساز و برگ خویش و بتانتان را گرد آورید.

- ترجمه بهرام‌پور: [به هر حال] من بر خدا توکل کرده‌ام؛ پس کار و نیرو و معبودهایتان را یکجا کنید.

- ترجمه فولادوند: [بدانید که من] بر خدا توکل کرده‌ام. پس [در] کارت‌ان با شریکان خود همداستان شوید.

- ترجمه مجتوی: من بر خدا توکل کردم، پس شما نیز کار خویش را فراهم و استوار کنید و شریکان خود را [که با خدا انباز می‌گیرید] گرد آورید.

- ترجمه مشکینی: من بر خدا توکل کردم، پس شما با شریکانتان (بت‌هایی که می‌پندارید شما را یاری می‌دهند) در کار خود تصمیم بگیرید.

- ترجمه مکارم: من بر خدا توکل کرده‌ام! فکر خود، و قدرت معبودهایتان را جمع کنید.

- ترجمه صفوی براساس المیزان: من بر خدا توکل کرده‌ام، پس شما با معبودانتان که آنها را شریک خدا و یاور خود می‌پندارید، عزم خود را در کار خویش جزم کنید، سپس همه نیروهایتان را فراهم آورید.

یعقوب به تنهایی به ضم خوانده (شركاءكم)، بقیه به نصب خوانده اند (شركاءكم). قرائت رفع به علّت عطف این واژه به ضمیر «اجمعوا» (واو) است. اما قرائت نصب به سبب اضممار فعل است، گویا گفته شده: «وادعوا شركاءكم». یک حالت دیگر نیز گفته شده که به این



□ ۶۲ ترجمان وحی

صورت است: «فاجمعوا أمرکم و أجمعوا شرکاءکم». برخی هم گفته‌اند که مفعول معه است «مع شرکاءکم» (طبرسی، ۴۱۵ق، ۵/۲۰۹).

ترجمه‌های بالا، همه مطابق با قرائت حفص از عاصم است، اما نکته‌ای که وجود دارد این است که مجتبی‌ی ترجمه‌ای دقیق‌تر ارائه داده است؛ زیرا چنان که در توضیح آمد، در قرائت حفص که شرکاءکم به صورت منصوب قرائت شده، یک فعل در تقدیر است و مجتبی‌ی در ترجمه، این فعل را در نظر گرفته و ترجمه کرده است. البته ترجمه فولادوند و قمشه‌ای نیز - که واو را به معنای مع گرفته و شرکاءکم را مفعول مع دانسته‌اند - با قرائت حفص مطابقت دارد.

□

نتیجه

اختلاف قرائات که جزء مهم‌ترین مباحث علوم قرآنی است، در ترجمه قرآن تأثیر گذاشته و برخی مترجمان خواسته یا ناخواسته در ترجمه خود قرائتهای غیر مشهور را معیار قرار داده‌اند. برای داشتن ترجمه‌ای دقیق باید به علم قرائات به عنوان یکی از علوم مورد نیاز آگاهی داشت. به نظر می‌رسد، بهتر است مترجم قرآن هنگام ترجمه یک آیه اختلاف قرائات را در ابتدا مشخص کند و سپس ترجمه خود را هماهنگ و مطابق با قرائتی که انتخاب کرده است انجام دهد.

شایان ذکر است که گاهی توجه نکردن به اختلاف قرائت، می‌تواند به طور کلی حکم را تغییر دهد.

□

فهرست منابع

۱. الهی قمشاهی، مهدی، (۱۳۷۲ هـ.ش)، ترجمه قرآن کریم، تهران: اسوه.
۲. آیتی بروجردی، عبدالمحمد، (۱۳۸۵ هـ.ش)، ترجمه قرآن کریم، تهران: زمان.
۳. ابن خلکان، أبو عباس - شمس‌الدین احمد بن محمد، (۱۳۶۴ هـ.ش)، وفیات الاعیان و اتباع ابناء الزمان، تحقیق: إحسان عباس، قم: منشورات الشریف الرضی.
۴. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (بی تا)، الفهرست، چاپ مصر.
۵. بهرام‌پور، ابوالفضل، (۱۳۸۳ ش)، ترجمه قرآن کریم، چاپ اول، تهران: عصمت.
۶. جزری، محمد، (۱۳۵۱ هـ.ش)، غایة النهاية فی طبقات القراء، قاهره.
۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن، (بی تا)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. خرّمشاهی، بهاء‌الدین، (۱۳۷۵ ش)، ترجمه قرآن کریم، تهران: انتشارات جامی و نیلوفر.
۹. خوانساری اصفهانی، میرزا محمدباقر، (۱۳۴۱ هـ.ش)، روضات الجنّات فی احوال العلماء و السادات، بیروت: الدار الاسلامیة.
۱۰. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۸۵ هـ.ش)، البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انوارالهدی.
۱۱. دهلوی، شاه ولی‌الله، (۱۳۸۵ هـ.ش)، فتح‌الرحمن فی ترجمة القرآن، تهران: احسان.
۱۲. رازی، فخرالدین، (۱۴۲۱ ق)، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، ط ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۳. زنجانی، ابوعبدالله، (۱۳۸۸ هـ.ش)، تاریخ القرآن، تحقیق: محمد عبدالرحیم، دمشق: دارالحکمة.
۱۴. سراج، رضا، (۱۳۴۷ ش)، ترجمه قرآن کریم، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی.
۱۵. صدر، سید حسن، (۱۹۵۱ م)، تأسیس الشیعة الکرام لعلوم الاسلام، بغداد: طبعة شركة الطباعة والنشر العراقية.
۱۶. طباطبائی، محمدحسین، (۱۴۱۱ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الاعلمی.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵ ق)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۱۸. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۹ ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مکتب الاعلام الإسلامی.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن، (بی تا)، الفهرست، قم: منشورات رضی.
۲۰. عسقلانی، ابن حجر، (۱۳۲۵ هـ.ش)، تهذیب التهذیب، هند: دائرة المعارف النظامیة.
۲۱. فضلی، عبدالهادی، (۱۳۶۵ هـ.ش)، تاریخ قراءات القرآن الکریم، ت: دکتر سید محمد باقر حجّتی، تهران: امیرکبیر.

□ ۶۴ ترجمان وحی

۲۲. فولادوند، محمد مهدی، (۱۳۷۳ ش)، ترجمه قرآن کریم، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲۳. فیض الاسلام اصفهانی، سید علی نقی، (۱۳۸۵ هـ ش)، تهران: مرکز نشر آثار فیض الاسلام.
۲۴. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۷۲ هـ ش)، الجامع لأحكام القرآن، تحقیق: أحمد عبد العليم البردونی، ط ۲، قاهره: دارالشعب.
۲۵. قسطلانی، شهاب الدین، (۱۳۹۲ هـ ش)، لطائف الاشارات لفنون القراءات، تحقیق: شیخ عامر سعید عثمان و دکتر عبدالصبور شاهین، قاهره: المجلس الاعلی للشؤون.
۲۶. گرمارودی، سید علی، (۱۳۸۳ ش)، ترجمه قرآن کریم، چاپ اول، تهران: انتشارات قدیانی.
۲۷. مجتبیوی، سید جلال الدین، (۱۳۷۲ ش)، ترجمه قرآن حکیم، تهران: انتشارات حکمت.
۲۸. محلی، جلال الدین - سیوطی، (بی تا)، تفسیر الجلالین، ط ۱، قاهره: دارالحدیث.
۲۹. مشکینی، علی، (۱۳۸۰ ش)، ترجمه قرآن کریم، با ویرایش حسین استادولی، چاپ اول، قم: انتشارات الهادی.
۳۰. معین، محمد، (۱۳۷۵ هـ ش)، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۸ ش)، ترجمه قرآن کریم، قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام.

